

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منازل السائرين الى الله

عزیز الدین بن محمد بن

تصحیح و شرح:

دکتر داود اسپرهم

سرشناسه	: اسپرهم، داود، ۱۳۴۲ -
عنوان قراردادی	: الانسان الكامل. برگزیده. شرح منازل السائرین الی الله. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: منازل السائرین الی الله/ عزیز الدین بن محمد نسفی؛ تصحیح و شرح داود اسپرهم.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات آرایان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۱ ص.
شابک	: 978-600-8688-58-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
یادداشت	: کتاب حاضر شرحی است بر "منازل السائرین الی الله" عزیز الدین بن محمد نسفی است.
موضوع	: عرفان — متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: نسفی، عزیزالدین بن محمد، قرن ۷ ق. الانسان الكامل — نقد و تفسیر
موضوع	: نسفی، عزیزالدین بن محمد، قرن ۷ ق. منازل السائرین الی الله — نقد و تفسیر
موضوع	: Mysticism -- Early works to 20th century
موضوع	: تصوف — متون قدیمی تا قرن ۱۴ Sufism -- Early works to 20th century
موضوع	: آداب طریقت * Customs of the order
موضوع	: انسان (عرفان) * Man (Mysticism)
شناسه افزوده	: نسفی، عزیزالدین بن محمد، قرن ۷ ق. الانسان الكامل. برگزیده. شرح
شناسه افزوده	: نسفی، عزیزالدین بن محمد، قرن ۷ ق. منازل السائرین الی الله. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۹۶ م۶۵الف/ BP۲۸۳
رده بندی دیویی	: ۲۹۷۱.
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۰۷۸۶



نام کتاب	: منازل السائرین الی الله
تصحیح و شرح	: دکتر داود اسپرهم
ویراستار ادبی	: مسعود رستگاری
طراح جلد	: محمد اسپرهم
نوبت چاپ	: اول، ۱۳۹۶
شمارگان	: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت	: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۸-۵۸-۷

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاطمی داریان، پلاک ۶، طبقه اول
تلفن: ۶۶۴۰۰۲۳۵ - ۶۶۹۷۱۳۴۴

سایت: www.arayanbook.com

پست الکترونیک: info@arayanbook.com

« حق چاپ و نشر مجدد این اثر برای انتشارات آرایان محفوظ است. »

فهرست

۵	 مقدمه
۵	 نصف انخشب
۶	 مشاهیر نخب
۷	 عزیزالدین نسی
۸	 جغرافیای زمینی نسی
۸	 جایگاه نسفی در تصرف
۹	 نگاهی به مشی صوفیانه نسی
۹	 ۱. شریعت مداری
۹	 ۲. راحت رساندن به خلق
۹	 ۳. اخلاق مداری
۹	 ۴. آزادی و فراغت
۱۰	 ۵. ترک
۱۰	 ۶. علم و عمل
۱۰	 ۷. صلح، شفقت، تواضع و راستی، اصل معرفت الله است
۱۰	 ۸. پرهیز از عادت
۱۰	 ۹. مصاحبت دانا
۱۱	 ۱۰. حقیقت فراخ‌تر از عقاید آدمی است
۱۱	 ۱۱. دل همان عالم غیب است
۱۱	 ۱۲. اختیار ما درون جبر است
۱۱	 ۱۳. بهشت و دوزخ نقد است و امروزی و نه موعود
۱۲	 ۱۴. عالم، خیال است و ما نمایی بیش نیستیم
۱۲	 ۱۵. تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است
۱۲	 ۱۶. نظاره‌گری
۱۳	 آثار نسفی
۱۴	 ۱. انسان کامل
۱۴	 ۲. کشف الحقایق
۱۵	 ۳. منازل السائرین
۱۵	 ۴. مقصد الاقصی

۱۵.....	۵. کتاب تنزیل.....
۱۵.....	۶. بیان تنزیل.....
۱۶.....	۷. منازل السائرين الى الله.....
۱۷.....	چند نکته مهم درباره رساله حاضر.....
۱۸.....	سبک رساله منازل السائرين الى الله.....
۱۹.....	نکته آخر.....
۲۱.....	متن و شرح منازل السائرين الى الله.....
۲۵.....	فصل اول: در بیان سلوک.....
۳۹.....	فصل دوم: در بیان انسان کامل.....
۵۶.....	خواجه شمس.....
۵۸.....	خواجه عبدالله انصاري.....
۵۸.....	بابا طاهر.....
۶۱.....	فصل سوم: در بیان تربیت.....
۶۳.....	هجويری.....
۶۴.....	جنید بغدادی.....
۸۱.....	صلح کل.....
۸۱.....	شفقت.....
۸۵.....	تواضع.....
۹۱.....	فصل چهارم: در بیان صحبت.....
۱۰۳.....	فصل پنجم.....
۱۰۶.....	الف- الوهیت.....
۱۱۱.....	ب- جبروت.....
۱۱۳.....	الف- عالم قوه.....
۱۱۴.....	ب- عالم محسوس.....
۱۱۶.....	پ- ملکوت.....
۱۱۸.....	ت- ملک.....
۱۸۹.....	فهرست منابع.....
۱۸۹.....	الف- کتاب.....
۱۹۱.....	ب- مقالات.....

مقدمه

نصف، نخشب

شهر کهن تاریخ نیمه‌نصف از سرزمین‌های ماوراء النهر و از سرحدات بخارا است. نام دیگر این شهر نخشب است.^۱ نخشب حد فاصل شهر بخارا و بلخ و البته نزدیک‌تر به بخارا واقع شده بود. این شهر را به سبب با به خط رود قارشی که از میان آن عبور می‌کرد قرشی/قارشی نامیدند. شهری آباد و پر نعمت، داشت محصول بسیار. همچنین این شهر را مابین جیحون و سمرقند و تاشکند یاد کرده و بسیار پرجمعیت، و از بزرگترین و معمورترین و زیباترین بلاد ماوراء النهر دانسته‌اند. نخشب یا نصف امروزه در کشور ازبکستان قرار دارد.^۲

در شاهنامه حکیم توس می‌خوانیم:

چو نزدیک شهر بخارا رسید / به شت نخشب سیه گسترید

نصف/نخشب از قرن چهارم تا قرن هشتم شهری دانستند و در دهه است. واقع شدن آن در بین شهرهای مهم آن روزگار بخصوص بخارا که محل نحاریر و اظهاریه آن بود به این شهر موقعیت ویژه می‌بخشید. در چهار قرن یاد شده بزرگانی در آن به دنیا آمدند و نام آن شهر را با خود پراوازه ساخته‌اند. صاحب کتاب اللباب فی تهذیب الانساب می‌گوید:

«هی من بلاد ماوراء النهر و يقال لها نخشب و خرج منها جماعة من العلماء فی کل فن»^۳

۱. نصف را معرب نخشب می‌دانند. تحول لغوی نخشب و نصف همانند تحول لغوی شهر نخچوان و نام دیگر آن یعنی

نساوه است. (دهخدا پاورقی مدخل نخشب)

۲. ر. ک، لغتنامه دهخدا، انساب سمعی، ریحانه الادب، انجمن آراء، آندراج، سفرنامه ابن بطوطه، حدود العالم، برهان قاطع و ...

۳. تفسیر نصفی ج ۱ / ۴۰

مشاهیر نخشب

۱. ابوحفص نجم الدین عمر ابن محمد ابن احمد بن اسماعیل نسفی سمرقندی معروف به مفتی الفریقین و امام الثقلین از بزرگان حنفی شاعر، مفسر، متکلم، ادیب، محدث و مورخ حنفی است. وی در سال ۵۳۸ ه. ق در سمرقند در گذشته است. مشهورترین کتب وی؛ تاریخ بخارا و عقاید نسفی مشهور به العقاید و تفسیر نسفی است.^۱ او را همپایه امام محمد غزالی دانسته و به او لقب امام داده‌اند. گفته‌اند که اگر غزالی هفتاد کتاب نوشته نسفی بیش از صد کتاب تألیف کرده است. نکته مهم در باب تألیفات ابوحفص اختلاف نظر تذکره نویسان در خصوص کتاب هم‌نام وی با مشهوری‌اش محمد ابن محمد نسفی ملقب به برهان الدین است. هم‌عمر ابن محمد و هم‌مدینه ابن محمد درباره دانش کلام کتاب مشابهی دارند. نام کتاب عمر ابن محمد عقاید النسفی و نام کتاب محمد ابن محمد العقاید النسفیة است. آنچه محقق و معلوم است تفتازانی مؤلف شرح العقاید کتاب محمد ابن عمر ابن محمد را شرح کرده است.^۲ در شرح تفتازانی می‌خوانیم:

«وَإِنَّ الْمُخْتَصِرَ الْمُسَمَّى بِالْعَقَائِدِ لَهُ إِمَامٌ قُدْوَةُ الْعُلَمَاءِ الْإِسْلَامِ نَجْمُ الْمَلَّةِ وَالِدَيْنِ عُمَرُ النَّسْفِيُّ ...»

۲. محمد ابن محمد نسفی ملقب به برهان الدین از بزرگان مذهب حنفی است و در حدیث و تفسیر و کلام کتب متعددی دارد. همانطور که گفته شد این نیز کتابی به نام العقاید النسفیة دارد. تألیفات دیگر وی عبارتند از: «فصول النسفی فی علم الجدل» و «المنهج والمقدمة فی علم الخلاف». وی در اواخر قرن هفتم وفات یافته است.

۳. حسین ابن خضر نسفی فقیه و مفسر حنفی در گذشته به سال ۶۰۰ ه. ق. صاحب کتاب «الفوائد والفتاوی»^۳.

۱. اعلام زرکلی مدخل ابوحفص نجم الدین و الفوائد البهیة ۱۴۹/

۲. صاحب ریحانة الادب هم درباره کتاب العقاید النسفیة محمد ابن محمد و هم درباره کتاب عقاید النسفی عمر ابن محمد به خطا می‌گوید؛ تفتازانی آن‌ها را شرح کرده است. در الفوائد البهیة نیز چنین خطایی رفته است. حاجی خلیفه نیز خود را از سردرگمی نجات داده و گفته است فقط یک کتاب و یک نویسنده به این نام وجود دارد و آن عقاید النسفی عمر بن محمد است. (کشف الظنون ج ۶/ ۱۷۳)

۳. الفوائد البهیة ص ۶۶

۴. ابوالبرکات عبدالله ابن احمد مشهور به حافظ الدین نسفی از بزرگان فقه و از مصنفان پرکار اهل سنت و صاحب کتب متعدد از جمله کشف الاسرار در اصول و کنز الدقایق در فروع و صاحب تفسیر «مدارک التنزیل و حقایق التاویل» معروف به تفسیر نسفی^۱ و ... است. وی به سال ۷۱۰ در بغداد وفات یافته است.^۲

۵. عبدالعزیز بن محمد نسفی، مشهور به عزیز یا عزیزالدین نسفی یا نخشی صاحب رساله منازل السائرین الی الله و رساله‌ها و کتب متعدد دیگر.

عزیزالدین نسفی

عبدالعزیز ابن محمد نسفی معروف به عزیزالدین نسفی از مریدان شیخ سعد الدین حموی و از متکلمان و عارفان و رسوا پس قرن هفتم هجری صاحب کتاب مهم انسان کامل است. از سال وفات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. از قراین چنین بر می‌آید که سال مرگ وی بین سالهای ۶۸۰ تا ۶۹۹ ه. ق در ابرقو/ ابرنوه بود. آشنایی عزیزالدین با عرفان نظری و مهارت وی در فلسفه و کلام از او چهره‌ای ممتاز ساخته است. بر شک وی را باید از اندیشمندان و میراث داران ذوق و اندیشه خراسانی و در عین حال متأثر از آراء و افکار ابن عربی محسوب کرد. شهرت «پیر صدیق» و «پیر حمزه سبز پوش» برای او نشان از عمق تودش در بین مردم دارد. نسفی نیز همچون سلطان العلما پدر مولوی بلخی تاب هجوم مغولان را بی‌بارد و به فاصله‌ای اندک از وی (۶۱۷ ه. ق) سرزمین مادری خود؛ یعنی ورارود / ماوراءالنهر را ترک گفت. خود در این باره می‌گوید:

«در سنه ۶۱۷ لشکر کفار به ماوراءالنهر آمدند و ولایت را خراب کردند. من بیچاره در آن تاریخ در شهر بخارا بودم با جماعت درویشان. بامداد روز جمعه اول ماه رجب سنه مذکور پیش از رسیدن لشکر کفار به شهر بخارا و به قتل و غارت مشغول شدن... از شهر بیرون آمدم، یا خود چنین گوی که بیرون آوردند^۳ و از آب خراسان^۴ گذشتیم و به شهرهای خراسان رسیدیم

۱. البته این تفسیر را هم نباید با تفسیر نسفی تألیف ابو حفص عمر ابن محمد اشتباه گرفت. تفسیر ابو حفص مشهورتر است و عزیزالله جوینی آن را تصحیح نموده است.

۲. قاموس الاعلام ج ۶

۳. منظور آن است که ما را از شهر اخراج کردند و به اجبار آنجا را ترک کردیم.

۴. منظور رود عظیم جیحون است.

و از آن مدت باز هر روز به موضعی و هر شب به جایی می‌بودیم و در هیچ جا قرار نمی‌یافتیم^۱»

جغرافیای زیستی نسفی

پس از بیرون آمدن از شهر نسف و آواره شدن در شهرهای خراسان بیشترین جایبازهای او شهر جُوزین هم‌جوار بقعه شیخ و مراد خود، سعدالدین حموی/حمویه بود با این حال گه‌گاه در شیراز بر تربت شیخ کبیر ابو عبدالله خفیف معتکف می‌شد و گاهی نیز به کرمان می‌رفت اما بیشتر در ابرکوه به‌سر می‌برد و در مسجد جامع این شهر کوچک درس و علم می‌گفت. ناچاری و ناگزیری و علاقه به آب و خاک ابرکوه موجب شد عزیزالدین تمام عمر خود را در آن سپری کند و در خاک تربت آن دیار آرام گیرد^۲.

جایگاه نسفی در تاریخ

خراسان، ماوراء النهر و آسیای صغیر بیش از آغاز حمله مغول و در روزگار نسفی در احاطه کامل تصوف سلسله کبرویه - میراث نجم‌الدین کبری- است. یکی از بزرگ‌ترین صوفیان این سلسله یعنی شیخ مجدالدین بغدادی به دست‌نشان^۳ به غرقاب جیحون داده شده‌است. عزیزالدین نسفی را در کنار نجم‌الدین رازی/دایه صاحب مرصادالدوله و بهاء محمد ولد پدر مولوی بلخی و شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی و شیخ علاءالدوله سمانی و میرسید علی همدانی و سعدالدین حمویه و رضی الدین لالا و سیف الدین باخرزی باید از بزرگان و اعلاظم این سلسله تاریخی

۱. بر خلاف نسفی که همه کسانش در فتنه‌های پیاپی مغول کشته می‌شوند و او بناچار برای همیشه مولد خود را ترک کرده و راهی غربت می‌شود، نجم‌الدین رازی -یکی دیگر از پیش‌گروختگان هجوم مغول- نسفی خبر نزدیک شدن تاتار به شهر ری را می‌شنود زن و فرزند و خاندان را به امان خدا رها کرده و به سمت همدان و سپس بلاد روم می‌گریزد. وی در مقدمه نخست کتاب مشهورش مرصاد العباد به گمان آنکه خانواده و خاندان او هم از دم تیغ مغول گذشته این بیت پر آب چشم را می‌گوید:

بارید به باغ ما نگرگی وز گلین ما نمائند برگی

اما مدت‌ها بعد خبر زنده ماندن اولاد و خاندان را دریافت کرده و خدای را سپاس می‌گذارد.

۲. آرامگاه عزیز الدین نسفی با وجود خرابی اساسی در بنای آن هنوز هم یکی از بناهای تاریخی شاخص و مهم شهرستان ابرقو است و قدمت آن به دوره سلجوقیان در قرن پنجم و ششم باز می‌گردد. افسوس که امروزه نه تنها مردم ایران بلکه مردم ابرقو نیز این مهمان عزیز و گرامی را نمی‌شناسند و از آرامگاه وی در شهر کوچک خود بی‌خبرند.

تأثیرگذار در شرق آن روزگار دانست. این سلسله در زمان خواجه اسحاق ختلانی (مقتول ۵۸۲۶ هـ. ق) که جانشین میرسید علی همدانی بود به دو شاخه نور بخشیه و برزش آبادیه/ذهبیه منشعب شد. گفته شده است که برخی از مشایخ کبرویه چون سید علی همدانی و حمویه تمایلات شیعی داشتند و برخی دیگر چون علاءالدوله سمنانی از صوفیان سخت گیر و شریعتمدار محسوب می شدند. در این میان تصوف نسفی با وجود انتساب به کبرویه با سعه مشرب و تسامح دلنشینی همراه بوده است. برای او مشی نظری و تحقیق علمی در مسائل فکری و اعتقادی در درجه نخست اهمیت بود.

نگاهی به مشی صوفیه نسفی

آنچه از کتاب انسان کمال و دیگر رسایل نسفی استنباط می شود را می توان در موارد زیر خلاصه نمود.

۱. شریعت مداری

نسفی از جمله صوفیانی است که بر برونم ریعت و انجام فرایض تأکید می کند. معتقد است «مقامات طریقت بی مقامات شریعت نتوان یافت»

۲. راحت رساندن به خلق

از نظر وی «پس از شناخت خدای تعالی هیچ کاری برابر آن ندارد هیچ طاعت بهتر از آن نباشد که راحتی به خلق برساند و هیچ راحتی بهتر از آن نیست که به تکمیل انسان مشغول شود».

۳. اخلاق مداری

بنیادهای اخلاقی نسفی عبارتند از «اقوال نیک، افعال نیک، اخلاق نیک، معارف» علاوه بر این موارد بر چهار عنصر مهم دیگر تأکید دارد «ترک، عزلت، قناعت و خمول»

۴. آزادی و فراغت

«هیچ طاعت بهتر از آزادی و فراغت نیست» و آزادی و فراغت به دست نمی آید مگر با ترک.

۵. ترک

ترک امری گسترده است. هر چیز که بت آدمی شود باید آن را ترک کرد «یکی را مال بت باشد یکی را جاه و یکی را نماز بسیار و یکی را روزه بسیار یکی خواهد که همیشه بر سر سجاده نشیند سجاده بت او باشد و یکی خواهد پیش مردم برنخیزد و تواضع ننماید این ناخواستن بت او باشد» صوفی کامل باید تقاضای درونی خود برای شیخ و پیشوا شدن را هم ترک کند «اولیا، خود را به پارسایی و پیشوایی و شیخی و زاهدی منسوب نکنند» و «دوستی (علاقه به) شیخی و پیشوایی حجاب عظیم است»

۶. علم و عمل

علم در باطن و عمل در ظاهر مکمل هم اند؛ یکی بر دیگری راه بجایی نمی برد. «اگر عمل به کمال است به یقین دانست که علم هم به کمال است»

۷. صلح، شفقت، تواضع و راستی نفس معرفت الله است

«معرفت خدای و ترک ماسوی مثابه ریختن است که چهار شاخ دارد؛ شاخ اول صلح است با همه کس و شاخ دوم شفقت است بر همه د... و شاخ سوم، تواضع است با همه کس و شاخ چهارم راستی با همه کس و همه چیز» و «آن که معرفت خدای حاصل کرده در این منازل است وی در مقصد است و با همه کس به صلح است... شفقت اصلی مهم و اساسی در اندیشه مصلحانه و انسان دوستانه نسفی است.»

۸. پرهیز از عادت

«ترک عادت کردن بت شکستن است هر چه بدان عادت کردی بت تو شد»

۹. مصاحبت دانا

«هر سالگی که یک روز بلکه یک ساعت به صحبت دانا شود بهتر از آنکه صد سال بلکه هزار سال به ریاضات و مجاهدات مشغول بود ... امکان ندارد کسی بی صحبت دانا به مقصد رسد»

۱۰. حقیقت فراخ تر از عقاید آدمی است

«مُلک با تُست و ملکوت با تُست و جبروت با تُست و خدایتعالی با تُست و از توبه تو نزدیکتر است ... کار شنوندگان دارند و کار بینندگان دارند ... هر کس، هر چیز را و هر کس را که می‌پرستد خدایتعالی را می‌پرستد و امکان ندارد که کسی غیر خدایتعالی چیز دیگر را پرستد و این سخن بغایت خوب است».

۱۱. دل، مانع عالم غیب است

«دل دریای محیط ... آئینه گیتی نمای است ... آن دریای محیط است که عالم غیب است ... هر چیز پیش از آنکه به ساحل وجود رسد عکسش بر دل انسان کامل پدید می‌آید»

۱۲. اختیار ما درون جبر است

«شعرا از افلاک و انجم شکایت می‌کردند که تربیت جهالان می‌کنند. این شکایت نه بجای خود است و ... افلاک و انجم را اختیار نیست چون آفتاب ظاهر شود بر همه چیز و همه کس یکسان بتابد و اختیاری ندارد که بر بعضی تابد و بر بعضی نتابد ... اما ما را اختیاری هست که اگر خواهیم در آفتاب باشیم و اگر خواهیم نباشیم ... شعراء آفتاب از همه عالم ممکن نیست اما از خود ممکن است» با این حال و از وجهی دیگر مگردانست «حرکات افلاک و انجم در این عالم اثرها دارند»

۱۳. بهشت و دوزخ نقد است و امروزی و نه موعود

«حقیقت بهشت موافقت است و حقیقت دوزخ مخالفت است و حقیقت خوشی، یافتن مراد است و حقیقت ناخوشی نیافتن مراد است ... جمله اخلاق حمیده درهای بهشت‌اند. و اخلاق ذمیمه درهای دوزخ‌اند از جهت آنکه هر راحت و آسایشی که به آدمی می‌رسد از افعال و اقوال و اخلاق ناپسندیده می‌رسد»